

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده پک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

[HTTP://WWW.AZADI-B.COM](http://WWW.AZADI-B.COM)

مصلحت گرایی فرا جناحی رفسنجانی

علی مطهری

7/24/2009

سخنان رفسنجانی در نماز جمعه، پژواک موقعیت نا متعادل جمهوری اسلامی، تلاش برای ایجاد توازن قوا میان جناحهای حکومتی و تشخیص مصلحت امروز نظام سرمایه داری اسلامی در جنگ راهکارهای متفاوت، جهت بقای رژیم و ایجاد آرامش و ساکت کردن مردم در فاز پایانی مضحکه انتخابات ریاست جمهوری بود.

بحران حکومتی و شکاف ایجاد شده، توسط حرکت وسیع خیابانی چند هفته قبل به اوج خود رسید و رژیم جانبداران اسلامی را در ابعاد جهانی زیر سوال برد. چیزی که هیچ کدام از جناحها انتظارش را نداشتند. موسوی و همپیمانانش آنرا نعمتی موقت و اهرم موثر برای تحت فشار قرار دادن جناح مقابل بکار گرفتند و مردم را گوشت دم توپ، جهت دست یافتن به امیال کتیف خود قرار دادند. هنوز توهم مردم به موسوی و پرچمش از بین نرفته است و با هر بادی احتمال راه افتادن مجدد تند باد و طوفان قبلی وجود دارد. سخنرانی رفسنجانی را در این متن باید قرار داد و ارزیابی نمود. سخنرانی رفسنجانی هر دو جناح درگیر در مناقشات کنونی را متوجه خطری میکند که بر بالای سر حکومت خدا و سرمایه در پرواز است. او در پوشش فرا جناحی و در قامت یک شخصیت معتدل بطور ضمنی هشدار داد در صورتی که جناحهای حکومتی از خود سعه صدر و برد باری نشان ندهند، احتمال از هم پاشیدن شیرازه دولت وجود دارد. او هدف سخنرانی را باز گرداندن اعتماد از دست رفته و جلوگیری از خطری که نظام را تهدید میکند معرفی کرد و برای حفظ انقلاب اسلامی راه مذاکره و مناظره را پیشنهاد نمود. و در اشاره به روزگار تلخ امروزشان و ضروری که هر دو جناح کرده اند، نیاز بیش از همیشه به وحدت را، در این دوره ضروری دانست. سخنرانی رفسنجانی هر چند طرفین درگیر در جنگ حکومتی مورد خطابش بود، اما اساسا هدفش جناح موسوی برای متوجه نمودنشان به وخامت اوضاع کنونی و رضایت بیشتر گرفتن با وعده ناقابل و درعین حال نامطمئن در خواست آزادی قلم و بیان در چهار چوب قوانین نظام بود. اینکه میرحسین یا حسین و ابوابجمعیش بابت حق السکوت ناچیز از حکومت، سکوت بیش از این را رعایت میکنند

و یا می‌خواهند برای ماندن در صحنه دمی بجنبانند، امر خودشان است و هیچ ربطی به مردم ندارد. هدف دیگر سخنران از بر قرار نمودن تعادل بین جناحها، ایجاد زمینه، جهت پیشروی کودتای خزنده خامنه ای و دور کردن تدریجی حکومت از گزند بیشتر و خریدن وقت کافی برای به حاشیه راندن و فاصله گرفتن از شرایط موجود بود. اما در یک نگاه به سیر رویدادهای اخیر هر ناظری متوجه انزوای بی سابقه داخلی و بین المللی حکومت اسلامی خواهد شد. و این خامنه ای را بعنوان نماد حکومت اسلامی وادار نموده این بار بعد از چند هفته بیشتر متوجه وخامت اوضاع شود و محتاطانه عمل نماید و دست به عصا راه برود و رفسنجانی نیز دو ساعت داستان خر دجال را در مورد اسلام و رجوعش به مردم و آرای مردم را به هم بیافد تا برسد به ضرورت اتحاد صفوف به هم ریخته شان و خود را ناجی این اتحاد در پوشش فرا جناحی معرفی کند. در واقع جناح اصطلاحات در چهار چوب رژیم، قبل از سخنرانی رفسنجانی، کم و بیش عقب نشینی را شروع کرده بود و تنها کچدار و مریض خود را در صحنه جلال بر سر قدرت نگاه داشته بود و هر از گاه با فشار نیروی متوهم به خود به صحنه پرتاب میشد و سپس سریع مانند فتری که ولش کنی به عقب بر می گشت. واقعیت دیگر این است که اینها اهل جنگیدن برای تحقق این زره اصلاحات مد نظرشان هم نیستند. تنها با استفاده از توهم مردم دمی جهت راه دادن شان به حکومت می جنبانند و بس، که رفسنجانی در نظر دارد این را هم به آزادی دفتر و دستک و قلم شان همراه با مذاکره و مناظره محدود نماید. به هر حال جنگ و گریز اینها نباید به مشغله مردم و دل بستن به آن تبدیل شود.

کارگران و مردمی که برای بگور سپردن مجدد این مردگان از گور بر خواسته و رها نمودن خود از این صفحه پوسیده و زنگ زده لحظه شماری میکنند، باید صف خود را بطور کامل از جناح های رژیم جدا نمایند و با سر و سامان دادن به صف خود پرچم آزادی و برابری را جهت خلاصی از کلیت رژیم انتخاب نمایند. موسوی همپیمانانش فعلا شما را به عنوان برگ برنده در جنگ با خامنه ای و احمدی نژاد لازم دارند. شرکت موسوی و کروی در نماز جمعه به خطیبی رفسنجانی در هیئت یکی از چهره های نمادین جمهوری اسلامی و متمایل به جناح اصلاحات، آزمایشی بود برای اطمینان خاطر مجدد از حمل پرچم سبز توسط شما و در ضمن دعوتی مجدد از شما مردم مبارز برای حضور بهم رساندن آرام و از این طریق هشدار ی به حکومت جهت محسوب کردنشان در دولت آتی بود.

موش و گربه بازی اینها خطرناک است. اینها دارند با سرنوشت جامعه جهت دست یافتن به امیال کثیف شان بازی میکنند تا تناسب لازم جناحی را بر قرار کنند و با رسیدن به توافق تلاش خواهند کرد که عقر به را به همان جای اولش، یعنی قبل از مضحکه انتخاباتی برگردانند. در صورت موفقیت در این امر صرفا به نق زدن در دوایر دولتی بسنده می نمایند. موسوی و همراهانش شما را آخرین شانس خود جهت تنازع بقا لازم دارند. اگر امروز هنوز با شما احساس همدردی میکنند نه بخاطر تعلق خاطر به شما انسانهای آزادیخواه بلکه جهت برگرداندن موقعیت از دست رفته خود در دوران خاتمی و بیرون راندنشان از تمامی دوایر دولتی میباشد. اینها فکر نمیکنند مجددا به چنین نعمتی از توهم میلیونی مردم نسبت به پرچمشان نایل آیند. متأسفانه در خلاء آلترناتیو قوی کمونیستی، تاریخ بارها شاهد توهم توده ها به پرچم بورژوازی برای ایجاد گشایش در زندگیشان و تحقق آرزوهایشان بوده است و اوضاع امروز ایران، تکرار یکی از این مقاطع تاریخی، در شرایط متفاوت است.

کارگران، مردم رنج کشیده و حق طلب

هر دو طرف این جنگ درون خانوادگی قاتلین ده‌ها هزار نفر از کمونیستها و آزادیخواهان، تصمیم گیرنده گان و اجرا کننده گان صدها مورد حکم سنگسار، عاملین اصلی به اعتیاد کشاندن صدها هزار جوان و تحمیل فقر و بی حقوقی و سیاهی و تبااهی هستند که جامعه ایران را در خود بلعیده است. اینها مجریان زن ستیزترین قوانینی هستند که جهان متمدن قرن‌هاست آنرا به خاک سپرده است. اینها بانیان حکومتی هستند که با استثمار شدید کارگران و به نرم تبدیل کردن فروش نیروی کار به ارزانترین قیمت و حتی با عدم پرداخت آن هم در موارد متعدد، طبقه کارگر را به زیر خط فقر کشانده اند و تبااهی فکری و جسمی را به تولید کننده گان ثروت جامعه تحمیل نموده اند. اینها صفحه سیاهی را بر جامعه گسترانده اند که جهت دسترسی به کوچکترین روشنای باید جنگید و تلفات تحمل کرد. اینها نه تنها سیاهی و تبااهی را به شما، بلکه به بخش قابل توجهی از مردم فلسطین، لبنان و عراق نیز تحمیل کرده اند و سایه کثیف جمهوری اسلامی و بی حقوقی ناشی از آنرا همانند ایران بر مردمان شریف این جوامع نیز گسترانده اند. اعتراض شما علیه یکی از کثیف ترین حکومت های جهان بر حق است. این رژیم را باید سرنگون کرد و یک زندگی شایسته بشریت امروز و عاری از هر نوع ستمی را که با بر سر لوحه آن نوشته باشد آزادی، برابری و انسانیت بجایش بر قرار نمود. خاتمه دادن به عمر حکومت سرمایه داری اسلامی و کنار زدن سایه شوم تعفن اسلامی کار شما با صف مستقل و با پرچم رهای انسان از هر نوع ستمی است. با به گور سپردن این رژیم سایه شوم آن نه تنها از سر شما بلکه از سر بخشی از مردم کشورهای مذکور نیز دور خواهد شد. مشاهدات این دوره نشان داد که هنوز تجربه دوران خاتمی کفاف دور ریختن هر نوع توهمی به جناح اصلاحات و جریانات خارج از حکومت را نکرده است، تجربه این دوره قاعدتا" باید شما را به این نتیجه برساند که تنها با جدا نمودن صف خود از جانپان اسلامی و همه احزاب و دسته جات بورژوازی و انتخاب پرچم کمونیستی و کارگری مارکس و لنین و حکمت قادر به برچیدن کلیت نظام جمهوری اسلامی و دسترسی به زندگی انسانی خواهید شد.